

انشاءنویسی فارسی در شبه‌قاره

دکتر ابوالقاسم رادفر*

انشاءنویسی

انشاء واژه‌ای است عربی به معنی آغاز کردن، آفریدن، از خود چیزی گفتن، ایجاد. همچنین سخن‌پردازی، سخن‌آفرینی، نویسندگی، شاعری، تألیف عبارات.

دل شعبده‌ها گرفت از فکرت جان معجزه‌ها نمود در انشا

(مسعود سعد سلمان، ص 47)

یا علمی که دانسته شود بدان ترکیب عبارات نثر. نوشته مترسّلا نه و فصیح و با سجع و قافیه (نفیسی، ذیل واژه)، هر نوع نوشته‌ای که مراد از آن نمایاندن قدرت نویسندگی و تعیین ارزش نوشته باشد. (دهخدا، ذیل «انشاء»)

در *مفاتیح‌العلوم* انشاء به معنی اسناد درباری توصیف شده، که رئیس دفتر پس از مطالعه و آوردن ترامیم لازم آن را به شکل نهایی درمی‌آورد. پاره‌ای دیگر از سخن‌شناسان «انشاء را فنّ ترسل گفته‌اند.» (محموده هاشمی، ص 176)

*. استاد ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی.

انشاء در اصطلاح ادبی یکی از فنون ادب و گونه‌ای ادای سخن است که نویسنده تلاش می‌کند با زبانی فصیح و بلیغ اندیشه‌ها و گفته‌های خود را بیان کرده، آن را به دیگران القا کند. یا به عبارت دیگر نوعی القای اندیشه و احساس در کلام منثور است که بر اساس فصاحت و بلاغت شکل می‌گیرد. یا در اصطلاح اهل ادب عبارت است از نوشتن نامه‌های خصوصی یا رسمی یا عهدنامه‌ها و فرمان‌ها. در قدیم به کسی که این کار را می‌کرد منشی می‌گفتند و او فردی بود که در علوم مختلف ادبی دست داشت. درباره ویژگی‌های دبیر و منشی در منابع گوناگون از جمله *چهار مقاله* نظامی عروضی سخن بسیار است.

در اصطلاح علم معانی، انشاء سخنی است که متحمل صدق و کذب در آن نباشد؛ زیرا گوینده یا نویسنده قصد ندارد چیزی را در عالم واقع نشان دهد. به بیان دیگر: انشاء در لغت به معنی ایجاد است و در اصطلاح عبارت است از کلامی که بالذات محتمل صدق و کذب نباشد چون: اجلس، لاتضرب، هل زید کاتب. (رجایی، ص 132). البته انشاء در اصطلاح فن معانی از بحث ما خارج است و از آن درمی‌گذریم و به ادامه سخن خود می‌پردازیم یعنی «علمی که به وسیله آن اطلاعاتی درباره عبارات نثر فراهم می‌آید» (محموده هاشمی، ص 177).

فن دبیری و انشاء رسائل دیوانی در ادبیات ایران پس از اسلام، خود به صورت رشته‌ای مخصوص از فنون سخن است که دارای طرزوی ویژه و متفاوت از سایر فنون نثر می‌باشد. شاید بتوان نخستین دبیر رسمی دربار ملوک ایران پس از اسلام را محمد بن وصیف، دبیر رسائل یعقوب صفاری دانست. پس از وی، در قرن چهارم باید از بونصر مشکان دبیر رسائل محمود غزنوی و شاگرد برجسته وی ابوالفضل بیهقی نام برد که انشاء و ترسل را در فارسی به مقامی عالی از فصاحت و بلاغت رسانیده‌اند.

تدوین منشآت اولین بار توسط بیهقی انجام گرفته که متأسفانه به سبب اغراض معاندان در زمان بیهقی به استناد تاریخ بیهقی از بین رفته است (بیهقی، ص 457).
البته:

در دوره ساسانی اسناد رسمی و نیز نامه‌های خصوصی شیوه مصنوع و سبک معین داشته‌اند که در آنها سخنان بزرگان و نصایح اخلاقی و پندهای دینی می‌آمد، و مقام و مرتبه مخاطب و نویسنده نامه در عبارت و بیان به دقت

رعایت می‌شد (رجب‌زاده، ص 25).

کارآمد بودن دستگاه اداری ساسانی به احیای سنت‌های آن در حکومت اسلامی انجامید، و از آن میان به شیوه‌های نگارش، اصول ترکیب و انشاء، طرز خطاب و عناوین مناسب برای بزرگان و بلندپایگان ارج نهاده شد.

قدیم‌ترین مجموعه منشآت موجود نامه‌های رشیدالدین و طواط دبیر مشهور خوارزمشاهیان و دیگر کتاب عتبه‌الکتبه منتجب‌الدین بدیع منشی صاحب دیوان سلطان سنجر است که شامل منشآت دیوانی (سلطانیات) و اخوانیات او می‌باشد. البته نباید از ذکر مقاله «ماهیت دبیری و کیفیت دبیر کامل» چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی (تألیف 551ق) و نیز دستور دبیری اثر معین‌الدین محمد بن عبدالخالق المیهنی (کتابت 585ق) غافل ماند. همین‌طور نمی‌توان از صفحات آخر کتاب *راحة‌الصدر* راوندی در معرفی اصول نامه‌نگاری (تألیف 599ق) و *دستورالکاتب فی تعیین المراتب شمس نخجوانی* معروف به شمس منشی که شامل مکتوب‌های شاهان و امیران و عالمان و حکیمان است چشم پوشید.

از نظر ساختار شکل کلی آغاز و پایان‌نامه‌ها تقریباً یکسان بوده و فقط در نوع لقب و دعا، برحسب شأن مخاطب آنها تغییر می‌کرده است. از جهت سبکی معمولاً در منشآت انواع صنایع به کار می‌رود. این نکته را نباید از نظر دور داشت که وقتی از ترسل سخن به میان می‌آید بیشتر:

معنی نامه‌نگاری و دبیری و آداب آن است و دو گونه است: دیوانی و اخوانی، که امروزه به ترتیب نامه رسمی یا اداری و نامه دوستانه یا خصوصی خوانده می‌شوند (همان‌جا).

موضوع انشاء زمینه بسیار وسیعی را دربر می‌گیرد که مهم‌ترین اقسام آن عبارت است از: منشآت، مکتوبات، رقعات، مراسلات اداری و قضایی و انشاء لطیف (مقبول بیگ بدخشانی، ج 4، ص 805) یا اگر بخواهیم به عناوین زمینه‌ها به طور گسترده‌تر اشاره کنیم علاوه بر موارد بالا شامل: مناظرات، تمثیلات، توصیفات، مقامات، روایات و حکایات، تاریخ‌نامه‌ها و مقالات نیز می‌شود.

اما پیش از اینکه به وضعیت انشاء‌پردازی در شبه‌قاره پردازیم ذکر این مطلب

ضروری است که به طور کلی از آغاز نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره - از زمان محمود غزنوی به بعد - چند زمینه زبانی - ادبی و تاریخی فارسی در سرزمین «بهارت» به دلایل گوناگون از جمله نیاز، توسعه روزافزون یافت، موضوعاتی چون لغت و فرهنگ، دستور، تاریخ، تذکره و انشاء‌نویسی که بدون اغراق، حجم آثاری که در این موضوعها در شبه‌قاره در طول نزدیک به هزار سال پدید آمده شاید بیشتر از مجموع آثاری است که در ایران و سایر کشورهای فارسی‌زبان از قرون پیشین تا حداقل هفتاد ساله اخیر است.

فهرست‌ها، کتابشناسی‌ها و منابع مختلف تحقیقی و مرجع در این موضوعات خود گواه این مطلب است که فعلاً نیازی به ذکر آنها نیست. از این رو است که محققان و ادیبان هندی در طول تاریخ زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره علاوه بر نوشتن آثار گوناگون در زمینه‌های مختلف انشاء، پژوهش‌های ارزنده‌ای هم در این باره صورت داده‌اند که در این مقاله به اختصار به وضع انشاء‌نویسی همراه با نمونه‌هایی می‌پردازیم.

همان‌طور که اشاره شد انشاء اقسامی دارد. یکی از آن اقسام منشآت است. یعنی انشاء کرده‌شده‌ها، نوشته‌ها و نامه‌ها و مراسلات که شامل مسودات، عبارات و تصنیفات است. در اصطلاح امروز، مراد از آن تحریرهای بلندپایه ادبی است. در منشآت نویسندگان می‌کوشند تا از تراکیب باشکوه، تشبیهات نادر و صنایع لفظی استفاده کنند و برای زیبایی عبارات مترادف: کلام منظوم را می‌آورند. مانند *انشاء فائق* معروف به دستور *الانشاء* از مولوی محمد فائق که کتابی است درباره دستور انشاء و نامه‌نویسی مشتمل بر پنج فصل به ترتیب زیر:

فصل اول: القاب و آداب که خردان به بزرگان می‌نویسند.

فصل دوم: القاب و آداب که به آشنایان، برادران، هم‌مرتب و همسالان می‌نویسند.

فصل سوم: القاب و آداب که بزرگان به خردسالان می‌نویسند.

فصل چهارم: نوشتن اسناد و پروانه‌های گوناگون اداری.

فصل پنجم: نوشتن عریضه‌های مهم شرعی و قضایی. (محموده هاشمی، ص 177، 184)

نمونه‌هایی دیگر از اینگونه منشآت:

1. انشاء فیض‌رسان یا حفظ‌القوانین از محمد حفظ‌الله رامپوری، چاپ کانپور، 1285م.
2. انشاء دلگشای، سید نثار علی بخاری، کانپور، نولکشور، 1399ق.
3. انشاء دلاویز، عبدالعزیز آروی، کانپور، 1194ق.
4. انشاء بدیع، رشیدخان بدیع‌الزمان مهابت‌خانی (- 1107 ق)، کتابت: 1233ق.
5. انشاء تمیز، کالی رای تمیز، چاپ کانپور، 1876م.
6. انشاء مادهورام، مادهورام منشی، کانپور، نولکشور، 1885م.
7. انشاء بی‌نقاط، کامتا پرشاد نادان، کانپور، نولکشور، چاپ هشتم، 1905م.
8. پنج آهنگ، میرزا اسدالله خان غالب، لاهور، دانشگاه پنجاب، 1969م. (همو، ص 187-188).

حجم کتاب‌های انشاء در موضوع‌های گوناگون در شبه‌قاره با توجه به منابع و مأخذ - در صورت دستیاب بودن - بالغ بر 800 کتاب می‌شود که معرفی و ذکر اسامی آنها هم در این مختصر امکان ندارد.

گفتیم یکی از اقسام انشاء مکتوبات یا مکاتیب است که به معنی نوشته شده و نامه آمده. از این لحاظ با منشآت فرق دارد که نویسنده در آن می‌کوشد تا به مقتضیات زمان اطلاعات بیشتری را فراهم آورد و به نحو مؤثری ظاهر کند. این اطلاعات می‌تواند جنبه سیاسی، ادبی و مذهبی نیز داشته باشد. بعضی از مکاتیب شامل فرمان‌های پادشاهان است و گاهی اطلاعات اداری و قانونی را فراهم می‌آورد. نمونه این قسم انشاء مکاتیب *رای آندرام مخلص* است. این مکاتیب شامل پنج مکتوب است که میان نورمحمد حاکم سند در کتاب خود به نام *منشور الوصیه و دستور الحکومه* از نسخه خطی و رقعات آندرام مخلص نقل کرده است. آندرام مخلص از منشیان بسیار معروف شبه‌قاره به شمار می‌رفت که در انشاء‌نویسی و لغت‌نویسی و نامه‌نگاری و شاعری شهرت فراوانی داشت. او در نویسندگی فارسی روش تازه‌ای را ابداع کرد؛ چنانکه در تذکره نستر عشق تألیف حسینقلی عظیم‌آبادی آمده است: «در فارسی روش مخصوصی به دست آورد.» (همو، ص 193) یکی از ویژگی‌های سبکی او مانند دیگر منشیان این دوره استعمال لغات

محلّی در نثر اوست اگرچه جمله‌های مسجّع، مرصّع و متکلف فراوان به کار برده. به عنوان مثال نمونه‌ای از این نوع نثر در زیر آورده می‌شود:

چون خاطر خطیر شاه ذی جاه از انتظام مهام هندوستان به کلتی فراغ حاصل ساخت، اراده مملکت خراسان بنابر اینکه از آوارگی‌های آنجا خلجانی به خاطر بود بر ضمیر انور پرتو انداخت (عظیم‌آبادی نقل از محموده هاشمی، ص 194).

نمونه‌هایی دیگر از مکتوبات را فقط ذکر می‌کنیم:

1. مکتاتب علامی، ابوالفضل علامی، چاپ هند، 1269ق.
2. مکتوبات امام ربّانی/مکتوبات مجدد الف ثانی (در سه دفتر)، شیخ احمد سرهندی (971-1034ق)، چاپ لکهنو، 1294ق.
3. مکتوبات حضرت شیخ شرف‌الدّین یحیی منیری (در 100 مکتوب)، گردآورنده زین بدر عربی، چاپ لکهنو، 1307ق.
4. مکتوبات سعدالله خان، سعدالله خان علّامی (1066ق)، به تصحیح ناصر حسن زیدی، چاپ لاهور، 1385ق.
5. مکتوبات کلیمی (در 132 مکتوب)، کلیم‌الله چشتی شاه جهان‌آبادی (1060-1141ق)، چاپ دهلی، 1315ق.
6. مکتوب عبدالرحمان چشتی، عبدالرحمان چشتی (1094ق)، کتابخانه راجه محمودآباد لکهنو، ش 992/6.
7. مکتوبات کیانی، قاضی ملک رستم کیانی، گردآورنده محمد بشیر حسین، چاپ لاهور، 1976م.
8. مکتوبات میرزا جلال (نامه‌میرزا جلال به امینا)، موجود در کتابخانه گنج‌بخش، به شماره 7999، کتابت: سده 11 ق. (منزوی، ج 3، ص 1208).

نوع دیگر انشاء، رقعات جمع رقع است به معنی نامه، نوشته، تکه کاغذ که روی آن بنویسند... در اصطلاح ادبی رقع، نامه شخصی را گویند. نویسندگان در رقعات اوضاع و احوال زمان خود را بیان می‌کند و عبارات او عاری از هر گونه تکلف و تصنع است. البته اگر نویسنده ادیب باشد، چاشنی و زیبایی در عبارت خود به کار می‌برد که نزدیک می‌شود به منشآت، ولی چون این نوع نوشته مربوط است به نامه‌های شخصی، آن را

رقعات نامیده‌اند. مانند *رقعات بیدل*، *رقعات عالمگیری*، *پنج رقعہ* و... .
رقعات بیدل از میرزا عبدالقادر بیدل مشتمل بر 277 نامه یا رقعہ و جواب نامه است.
 این کتاب در 1302 ق/ 1885 م. در 156 صفحه در چاپخانه نولکشور چاپ شده است.
 نثر کتاب در مجموع نثری منشیانه، دقیق، رنگین و گاهی مصنوع و در غالب موارد توأم
 با تشبیهات، کنایات و استعارات جالب است و ارزش بسیار در ادبیات و نثر فارسی دارد.
رقعات عالمگیری، مجموعه نامه‌های اورنگ‌زیب به شاه‌جهان (حکومت: 1037-1068 ق)،
 شاهزاده‌ها و شاهدخت جهان‌آرا است که به کوشش سید نجیب اشرف ندوی گردآوری
 شده است. در پایان کتاب رقعاتی که میان شاه جهان و شاهزاده‌ها و شاهدخت‌ها ردّ و
 بدل شده آمده است.

پنج رقعہ از مبارک‌الله واضح متخلص به ارادت خان. نثر اثر مسجع، مصنوع و مقفّی
 است همراه با صنایع و مناسبات لفظی و معنوی که کنایات، استعارات و تشبیهات فراوان
 در آن به کار رفته است. پنج رقعہ در 24 ورق و 48 صفحه در سال 1285 م در کانپور
 چاپ شده است.

1. *رقعات ابوالفضل* علامی (هر سه دفتر)، ابوالفضل فرزند مبارک علامی (1011 ق)، چاپ
 لکهنو، 1270 ق.
2. *رقعات جوياكشميري*، میرزا دارابیگ تبریزی متخلص به جويا (1118 ق)، کتابت:
 سده 12 ق.
3. *رقعات حزين*، محمدعلی حزين لاهیجی (1181 ق)، کتابت: 1247 ق.
4. *رقعات شیو رام*، شیو رام لاهوری متخلص به عاشق (1179 ق)، کتابت: سده‌های 12-13 ق.
5. *رقعات عالی / انشاءى طبي / هجو حکما*، نعمت خان عالی (1121/1121 ق)، کتابت: 1221 ق.
6. *رقعات کنبوه*، حسن کنبوه / گویا متخلص به فتّاحی، کتابت: 1255 ق.
7. *رقعات نصيرای همدانی / منشآت نصیرا / دیباچه‌ها*، خواجه نصیرالدین نصیرای
 همدانی (1030 ق) موجود در کتابخانه گنج‌بخش، ش 679، کتابت: 1223 ق.
8. *رقعات والجاهی* (مکاتیب، اسناد، فرمان‌ها)، به اهتمام سید حمزه حسین عمری، چاپ
 مدراس، 1958 م.

قسم دیگر انشاء، مراسلات یا نامه‌ها یا نوشته‌هایی است مشتمل بر بیع‌نامه، رهن‌نامه، هبه‌نامه، استغاثه، عرایض، احکام، عهدنامه، بیعه‌نامه، نکاح‌نامه و فرمان‌های پادشاهان و منشور، که حاوی اطلاعاتی دربارهٔ انضباط اداری و قانون یا جنگ و امنیت و... است که به هر استان یا بخش ارسال می‌گردد و صورتی از آن به افسران عالی‌رتبه فرستاده می‌شود (محموده هاشمی، ص 178).

نمونه‌ای از این مراسلات، مکاتیب و مراسلات «جان لارنس» استاندار لاهور است که در گنجینه شیرانی دانشگاه پنجاب لاهور به شماره 4464/1414 موجود است که در سده 13 ق کتابت شده است. یا *مراسلات احمدی* که در 1259 ق به کوشش حافظ احمد بدآونی گردآوری شده است.

و بالاخره *انشاء لطیف* است که آن را می‌توان حاصل خاطره‌های شخصی مصنف توصیف کرد و مربوط می‌شود به منظره‌ها، سرگذشت یا وقایعی که نویسنده تحت تأثیر آن قرار گرفته و با صنایع و بدایع و نثری رنگین به تحریر درآورده است، مانند *پنج رقعۀ ظهوری و رقعات بیدل* (محموده هاشمی، ص 179).

سه نثر *ظهوری و مینابازار و پنج رقعۀ وی* از کتب رایج درسی هند اسلامی بوده و جمعاً 23 بار چاپ شده است. برخی منشآت در شبه‌قاره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ از جمله *عجاز خسروی* تألیف امیر خسرو دهلوی (وفات: 725 ق) که مشتمل بر قواعد نه‌گانه نثر فارسی و نامه‌هاست که برخی آن را نخستین نمونه منشآت فارسی در هند به حساب آورده‌اند یا *انشاء ماهر* از عین‌الملک عبدالله ماهر و ملتانی (وفات: 764 ق) متعلق به دورهٔ خلجیان که در 1965 م در لاهور چاپ شده است یا *انشاء یوسفی* که به *بدایع‌الانشاء* هم معروف است (تألیف در 940 ق در هند) یا *رقعات حکیم ابوالفتح گیلانی* که از سنخ اخوانیات است که از سوی دانشگاه پنجاب در 1968 م در لاهور چاپ شده است، یا *مجموعۀ منشآت فیضی فیاضی* (وفات: 1004 ق) معاصر اکبر یا منشآت منیر لاهوری (وفات: 1054 ق) به نام‌های *نگارستان* یا *نگارستان منیر و نوباه و انشاء شاه طاهر دکنی* (وفات: 953 ق) به نام *انشاء روح‌افزا* در خور ذکر است.

حال که ذکری از دکن به میان آمد بی‌مناسبت نیست که از قاسم طبسی و مجموعۀ

منشآت او که شامل چهل مکاتیب است یاد شود. قاسم طبسی در زمان جمشید قلی قطب شاه به گلکنده رسیده و از طرف شاه انعام یافت و در 979ق در زمان حیات ابراهیم قلی قطب‌شاه منشآت خود را به پایان رسانید. نسخه‌ای از این منشآت در کتابخانه سالار جنگ به شماره 31 در موضوع ادب نثر موجود است. دیگر حاجی عبدالعلی طالقانی «ناظرالملک» است که در زمان عبدالله قطب شاه (حکومت: 1035-1038ق) و ابوالحسن تاناشاه (حکومت: 1038-1098ق) بوده، مجموعه منشآت و نامه‌های او به شماره 15 موضوع ادب نثر در کتابخانه سالار جنگ موجود است که سبک و روش نگارش او در مقایسه با معاصرانش تا حدی تازگی دارد.

سرآمد منشیان دکن در دوره عادلشاهیان نورالدین محمد ظهوری ترشیزی (وفات: 1025ق) است. نثر ظهوری به شیوه نثرهای مصنوع است و در هندوستان سرمشق فصاحت و انشاء و ترسل می‌باشد، بویژه سه نثر ظهوری. مجموعه منشآت ظهوری تشکیل می‌شود از:

1. دیباچه نوری، 2. گلزار ابراهیم، 3. خوان خلیل، 4. رقعات، 5. مینا بازار از مآ طغرای مشهدی که از شاعران و نویسندگان زبردست سده یازدهم هجری است. رسائل و منشآت متعددی از او به پارسی بازمانده که به هر یک از آنها نام شاعرانه داده است. رقعات طغرا که بخشی از رسائل طغرای مشهدی است به سال 1876م در کانپور چاپ شده است. صمصام‌الدوله شاهنوازخان رقعات طغرا را با منشآت ظهوری مقایسه کرده و ظهوری را استاد مسلم الثبوت در فن انشاء نامیده است. ناقدان سخن مجموعه شبنم شاداب ظهیرای تفرشی (سده 11ق) را متأثر از شیوه نگارش ظهوری می‌داند.

همچنین منشآت نصیرای همدانی از شاعران سده یازدهم هجری در هند به حدی شهرت یافته که به عنوان سرمشق مهارت در ترسل محل استفاده بوده و مآ طغرای مشهدی آن را با نثر ظهوری مقایسه کرده است.

دیگر مجموعه نامه‌ها و بعضی منشآت جلالای طباطبایی به نام رقعات جلالا از شاعران و نثرنویسان سده یازدهم هجری است. مجموعه‌ای دیگر از نوشته‌های او به نام منشآت جلالا است. دیگر سه نثر جلالا است که به تقلید از سه نثر ظهوری تهیه شد.

بنابه نوشته نصرآبادی ناقلان عهد شیوه میرزا جلال را در نثر با طرز و صاف مشابه دانسته‌اند. در دوره اعتلای انشاء‌نویسی فارسی در شبه‌قاره، هندوان فارسی‌دان نیز آثار چندی در زمینه انشاء فراهم آورده‌اند منشیانی مانند «هرکرن»، «چندربهان برهمن»، «مادهورام»، «ملک‌زاده منشی» و «اودهی راج» در خور ذکرند. همچنین به وسیله هندوان کتابهایی در فن انشاء نوشته شده مانند: *طراز الانشاء، گلدسته فیض، دقایق الانشاء* (بر اساس 19 کتاب)، *انشاء دین دیال، گلشن عجایب، رقعات صاحب رام، رقعات مخلص* و غیره که از میان آنها منشآت برهمن و انشاء هرکرن بسیار مشهورند.

مجموعه منشآت چندربهان برهمن (وفات: 1073ق) شامل نامه‌هایی است که به شاه جهان و وزیران و بعضی از امیران بزرگ او نوشته شده و در این مجموعه به ترتیب طبقات و مراتب امرا و رجال تنظیم گردیده است.

دیگر *ارشاد الطالبین* یا *انشاء هرکرن* از هرکرن پسر متهداس کنبوه (وفات: 1033ق) در فن نامه‌نگاری است منقسم به هفت باب شامل سرمشق‌های مناسب در نوشتن نامه‌های سلطانی، فرمان‌ها، پروانه‌ها، عریضه‌ها، نامه‌های اخوانی، تمسک‌نامه‌ها، دستک‌ها، سرنامه‌ها و

مجموعه‌های انشاء به‌ویژه از عهد اورنگ‌زیب به بعد در هند یا به قصد تعلیم فراهم آمده و یا مجموعه‌هایی است از نامه‌های مشهور و مهم که به تدریج شهرت یافته و گردآوری شده‌اند.

انشاء‌نویسی در سده اخیر هم در هند رواج داشته؛ به طوری که در دوره آصف‌جاهیان در حیدرآباد دکن منشیان معروفی چون هاشم علیخان مشهور به موسوی خان جرأت و فرزندش مستعد خان، میرحیدر اعتصام‌الملک، محمد اسماعیل خان اسماعیل یارجنگ و میرابوالقاسم مشهور به میرعالم بهادر درخور ذکرند.

البته بحث درباره انشاء‌نویسی فارسی در هند به این مقدار تمام نمی‌شود زیرا فقط در کتابخانه موزه سالار جنگ حیدرآباد بالغ بر دویست و هفتاد نسخه از منشآت وجود دارد که اکثر آنها کتاب‌هایی هستند که در هند نوشته شده‌اند و حتی ذکر فهرست آنها خود بسیار مفصل است. از این کتابخانه‌ها و فهرست‌ها در شبه‌قاره فراوان است که حاوی منشآت فارسی

در دوران رواج فارسی در این سرزمین وسیع می‌باشد (غلامحسین جوهر، گ 174 ب؛ رضیه اکبر، ص 48-52، 183-184؛ آصفه زمانی، ص 81-91؛ سید عبدالله، ص 92-105، 138-141؛ صفا، ج 5 (1)، ص 979، 1033، ج 5 (3)، ص 1595-1599، 1629، 1700-1701، 1749، 1761-1762، 1765-1766، 1771-1774، 1776، 1790، 1794؛ محمد اشرف، ص 57-229؛ توپسرکانی، ص 78-92، 130؛ ریپکا، ص 180-182، 477، 493-494، 498).

اهمیت تاریخی انشاها

بیشتر رقعات، مراسله‌ها و فرمان‌های پادشاهان دارای اهمیت تاریخی فراوان است، زیرا اطلاعات مفید و سودمندی دربارهٔ اوضاع و احوال سیاسی کشورها، پادشاهان، امرا و مناطق به ما می‌دهند؛ مانند رقعات *بیدل* که مملو از وقایع تاریخی عهد شاه عالم بهادرشاه اول (حکومت: 1119-1124 ق) و جهاندار شاه (حکومت: 1124 ق / 1712 م) است.

اهمیت دینی انشاها

مکاتیب و مخطوطات علما و صوفیان، علاوه بر عقاید و تمایلات دینی جنبهٔ اصلاحی و اخلاقی نیز دربردارد. چون علما و بزرگانی مانند شاه ولی‌الله محدث دهلوی (1179 ق / 1762 م)، شاه غلام علی میرزامظهر جان جانان (1780 م) در نوشته‌های خود کوشیده‌اند تا اختلافات مذهبی و رخنه‌ها و بدعت‌هایی را که در دین اسلام در اثر مذهب هندو راه یافته بود، برطرف سازند.

اهمیت فرهنگی و اجتماعی انشاها

انشاها از طرز زندگی، آداب معاشرت، لباس و خوراک مردم سخن می‌گویند. یا به عبارت دیگر می‌توان گفت که انشاء منعکس‌کنندهٔ تمدن ملت‌هاست. از این‌گونه انشاها می‌توان *انشاء خلیفه* تألیف شاه محمد و *انشاء دلگشا* تألیف منشی فتح چند را نام برد.

مختصات فنی انشاها

1. سجع و ترصیع
2. ایهام، تشبیه، استعاره و کنایه
3. آرایش‌های لفظی و معنوی (صنایع و بدایع)
4. تلازمه‌بندی (شاید به مفهوم ذکر لوازم و مناسبات جهت تزیین و زیبایی عبارات از اصطلاحات جدید و گوناگون باشد).

سبک نثر انشاها

سبک نثر انشاها به‌ویژه در دوره تیموریان متأخر نثری است منشیانه، همراه با سجع، ترصیع، تشبیهات، کنایات و استعارات گوناگون و جالب نظر، گاهی برای زیبایی عبارات از صنایع لفظی و معنوی و مترادفات نیز استفاده شده و در بیشتر موارد، کلام منظوم برای تأکید مطلب و آرایش عبارات آمده است (محموده هاشمی، ص 179-181).
در مجموع منشآت یا مکاتیب یا رسایل مجموعه‌نامه‌های دیوانی (رسمی یا اداری) یا دوستانه است که یک منشی دیوانی یا نویسنده‌ای غیردیوانی نوشته باشد.

منابع:

- آصفه زمانی، محققین و منتقدین معروف زبان و ادبیات فارسی هند در قرن بیستم، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، 1993م.
- آفتاب اصغر، تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، لاهور، 1364.
- بیهقی، ابوالفضل. تاریخ بیهقی، تصحیح قاسم غنی و علی اکبر فیاض، تهران، 1324.
- تویسرکانی، قاسم، مقدمه بر نامه‌های رشیدالدین وطواط، نک همین منابع: رشیدالدین وطواط.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه فارسی، دانشگاه تهران، تهران، 1342.
- رجایی، محمدخلیل، معالم‌البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، دانشگاه پهلوی (سابق)، شیراز، 1353.
- رجب‌زاده، هاشم، «ترسّل»، نامه پارسی، س 5، ش 1، بهار 1379.
- رشیدالدین وطواط، نامه‌های رشیدالدین وطواط، با مقدمه‌ای درباره شرح حال و نقد آثار

- رشیدالدین به کوشش قاسم تویسرکانی، دانشگاه تهران، تهران، 1338.
- رضیه اکبر، نظم و نثر فارسی در زمان قطب‌شاهی، حیدرآباد دکن، 1982م.
- ریپکا، یان، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه عیسی شهابی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1354.
- سید عبدالله، ادبیات فارسی میں هندوؤں کا حصہ، انجمن ترقی اردو، دہلی نو، 1992م.
- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج 5(1) و ج 5(3)، تهران، 1371.
- غلامحسین جوهر، تاریخ ماهنامه یا تجلیات ماه‌لقا، نسخه خطی کتابخانه سالار جنگ، ش 364.
- محمد اشرف، فهرست مشروح فارسی مخطوطات سالار جنگ میوزیم و کتب‌خانه، مرتبه محمد اشرف، ج 3، حیدرآباد دکن، 1966.
- محمود هاشمی، تحویل نثر فارسی در شبه‌قاره، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، 1375.
- مسعود سعد سلمان، دیوان، به کوشش غلامرضا رشید یاسمی، ادب، تهران، 1318.
- مقبول بیگ بدخشانی، تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، ج 4، پنجاب یونیورسیتی، لاهور، 1971م.
- منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، 1359.
- نفیسی (نظام‌الاطباء)، علی‌اکبر، فرهنگ‌نویسی، خیام، تهران، 1343.